

تحلیل و بررسی اجندهای پیشنهادی جمهوری و طالبان

پیشنهادات طالبان (به صورت شفاهی برای جانب جمهوری قرائت شده است)

۱. نظام اسلامی
۲. نوعیت نظام اسلامی آینده؛
۳. زعامت
۴. سکتور دفاعی و امنیتی
۵. شورای اسلامی
۶. قانون اساسی
۷. سیاست خارجی
۸. برابر نمودن پالیسی‌ها با معیارهای جهان پیشرفته با در نظر داشت اصول اسلامی و ارزش‌های ملی
۹. استقلال و تمامیت ارضی افغانستان
۱۰. اتحاد و وحدت ملی افغانستان
۱۱. متعهد ماندن به منافع ملی
۱۲. ارزشهای ملی؛
۱۳. تعلیم
۱۴. حقوق اساسی بشری
۱۵. تضمین کفالت بیوه‌ها و ایتام
۱۶. حقوق زنان در روشنی اصول اسلامی و عنعنات ملی
۱۷. تمام حقوق شرعی و اصولی زندانیان
۱۸. توجه خاص به معلولین
۱۹. انتقال و معالجه زخمی‌ها
۲۰. جلوگیری از مواد مخدر
۲۱. آزادی بیان در مطابقت به اصول اسلامی
۲۲. جلوگیری از تبلیغات زهر آگین
۲۳. از بین بردن فساد اخلاقی و اداری

پیشنهادات جمهوری (اجندای مذاکرات صلح افغانستان، فهرست ابتدایی که به صورت غیر رسمی و شفاهی با جانب مقابل در میان گذاشته شده است)

الف. بخش امنیت

۱. آتش بس دائمی و فراگیر
۲. ایجاد میکانیزم نظارت از تطبیق آتش بس
۳. مصون ساختن تمام راه‌ها، به شمول شاهراه‌ها و جلوگیری از هر نوع باجگیری و اخاذی
۴. ستر مسیرهای رفت و آمد غیر قانونی با کشورهای همسایه
۵. تقویه نیروهای امنیتی و دفاعی ملی کشور
۶. غیر نظامی ساختن محلات
۷. مبارزه و جلوگیری از کشت، پروسس، قاچاق مواد مخدر
۸. مبارزه با جرایم سازمان یافته
۹. تامین امنیت آبدات تاریخی و اسلامی
۱۰. حفاظت از منابع طبیعی و جلوگیری از استفاده غیر قانونی از آنها
۱۱. تامین امنیت تاسیسات عام المنفعه به شمول شبکه‌های برق، مواصلات و ملکیت ملت مسلمان افغانستان
۱۲. اخراج جنگجویان خارجی و گروه‌های تروریستی و مبارزه مشترک علیه شان جهت جلوگیری از قتل مردم مسلمان افغانستان
۱۳. توقف مجازات خودسرانه و فرا قانونی
۱۴. جلوگیری از توقف افراد و هدف قرار دادن آنها بر اساس قوم و جنسیت در مسیرهای رفت و آمد
۱۵. وضاحت در مورد نوع روابط با کشورها

ب. بخش انکشاف: کمک‌های بشری و انکشافی و زمینه‌سازی برای التیام و بازگشت به زندگی با همی

۱. زمینه‌سازی برای خدمات با کیفیت و سرتاسری مانند صحت، معارف، زراعت و معیشت و غیره
۲. تامین امنیت پروژه‌های زیربنایی و ایجاد زمینه اشتغال

۳. فراهم سازی زمینه بازگشت مهاجرین و اسکان آنها

۴. برنامه مشترک برای التیام به زخم‌های قربانیان جنگ و رسیدگی به خانواده‌های شهدا و معلولین

۵. حراست از سرمایه‌های مردم مسلمان افغانستان و تلاش برای خودکفایی اقتصادی کشور

ج. بخش سیاسی

۱. (ایجاد دیدگاه مشترک در مورد کشور بر اساس ارزشهای اسلامی و مردم سالاری. این گزینه در فهرست نخست بود اما هنوز شفاهی پیشنهاد نشده است.)

۲. نقشه راه برای مشارکت سیاسی

۳. ضمانت‌های بین المللی برای تطبیق توافقات صلح

۴. حقوق و آزادی‌های قانونی شهروندان و حفظ دست‌آوردهای مردم افغانستان

۵. تقویه نهادهای ملی

۶. مبارزه با هر نوع فساد در جامعه و زمینه‌سازی برای حکومتداری خوب

۷. حفظ تعهدات بین المللی افغانستان و رعایت میثاق‌های بین المللی

د. میکانیزم‌ها

لازم است برای تطبیق هر بخش میکانیزم عملی آن بحث شود، مانند میکانیزم نظارت بر آتش بس

۵. نهایی ساختن توافق نامه صلح

تحلیل محتوای پیشنهاد طالبان

۱. محور اساسی پیشنهاد طالبان برقراری نظام اسلامی و سایر اجزای اساسی آن اجزای یک نظام اسلامی مورد نظر طالبان را تشکیل می دهند که عبارتند از نوعیت نظام، زعامت، شورای اسلامی، قانون اساسی، حقوق زنان در پرتو اسلام، آزادی بیان در پرتو اسلام، جلوگیری از تبلیغات زهر آگین، از بین بردن فساد اخلاقی
۲. از نگاه طالبان آتش بس وقتی به وجود خواهد آمد که روی ساخت و تطبیق نظام اسلامی توافق شود. تا آن زمان جنگ ادامه خواهد یافت. طالبان به ایجاد یک نظام کاملا جدید می اندیشد نه تداوم نظام، لذا نیازی به طرح حکومت موقت نمی بیند.
۳. پیشنهادهایی چون سیاست خارجی، سکتور دفاعی و امنیتی، تعلیم، توجه خاص به معلولین، انتقال و معالجه زخمی ها، کفالت بیوه ها و ایتام، جلوگیری از تبلیغات زهر آگین در دو سطح قابل طرح است: در سطح حقوق اساسی و ارائه خدمات و کمک های بشردوستانه. مثلا فراهم ساختن زمینه تحصیل در مناطق تحت نفوذ طالبان، رسیدگی به خانواده های قربانیان انتقال زخمی ها ... از نیازمندیهای فوری طالبان است که می خواهند از همین حالا مورد توجه قرار گیرد.
۴. با توجه به نکات یادشده، پیشنهادات طالبان در مورد نظام و عناصر آن در ذیل بخش عناوین سیاسی پیشنهادات جمهوری می گنجد، سایر اجزا در بخش کمک های بشر دوستانه و رعایت قوانین بشر دوستانه بین المللی، آتش بس و سکتور امنیتی در بخش امنیت جای می گیرد.

نقاط اختلاف اساسی دو آجندا

دو پیشنهاد حاکی از اختلاف نظر عمیق است. لذا در پیشنهاد جمهوری آتش بس در صف اول قرار گرفته است و در پیشنهاد طالبان در آخر. بر اساس پیشنهاد طالبان نظام و قانون اساسی موجود به کلی نادیده گرفته می شود، بر همه چیز از پایه بر اساس مفهوم نظام اسلامی باید به توافق رسید. اجندای جمهوریت، مبتنی بر تداوم نظام است، تغییر را در حد تعدیل قانون اساسی می پذیرد، تکیه عمده اش بر مشارکت است که می تواند در حد تشکیل یک حکومت آشتی که موافقت نامه صلح را تطبیق کند، قابل ارتقا است.

ایدئولوژی طالبان: چیزی که بیش از همه چیز این اختلاف را عمیق ساخته و حل آن را دشوار می کند، تعهد و وفاداری ایدئولوژیک طالبان و افراد آنها به برنامه سیاسی شان است. اصولا کارکرد ایدئولوژی ها از نظر جامعه شناختی توجیه قدرت و ابزار فکری نرم در جهت کسب قدرت است. لکن ما مخصوصا در کشورهای اسلامی دو گونه ایدئولوژی داریم. ایدئولوژی های کاملا دنیوی از قبیل ملی گرایی، مشکل این گونه ایدئولوژی ها این است که دارندگان و پیروان این دسته از ایدئولوژی ها بعضا ایدئولوژی ای شان با باورها و

عواطف بنیادی تر آنان، مثلاً باورها و عواطف دینی شان هماهنگ نیستند. از میان رفتن وفادری این دسته به ایدئولوژی شان و یا آوردن تغییر در دیدگاه آنان تحت فشار واقعیت‌ها آسان است. این مشکل در میان بعضی از جمهوری خواهان ما نیز وجود دارد. نوع دوم از ایدئولوژی که عمدتاً برای خود توجیه دینی دارد، میان باورها و عواطف بنیادین وفاداران آن و ایدئولوژی سیاسی شان تفاوت دیده نمی‌شود و اگر باشد بسیار ضعیف است. لذا به همان پیمانه از میان رفتن وفاداری آنان به ایدئولوژی و یا تغییر آن سخت است. در دو حالت ممکن است این وفاداری تغییر کند، اول شکست سنگین در میدان جنگ و مواجهه شدید و عریان واقعیت-های اجتماعی و سیاسی با باورهای آنان، در این صورت آمدن تغییر در وفاداری آنان به ایدئولوژی شان در کوتاه مدت ممکن است و دوم این که به تدریج تحت تأثیر جاذبه‌های زندگی، واقعیت‌ها، تأمین نشدن منافع شان، ناکارآمد بودن ایدئولوژی و افزایش معلومات، وفاداری شان به ایدئولوژی تغییر کند. تغییر از نوع دوم زمان می‌برد و در کوتاه مدت به دست نمی‌آید. مجاهدین قدیم ما بعضاً بعد از تحمل و تحمیل خسارات فراوان و زمان طولانی در ایدئولوژی شان تغییر به وجود آمد.

ایدئولوژی طالبان از نوع دوم است، لذا ضمن این که برای آن‌ها قدرت، ثروت و مشروعیت خلق می‌کند، با باورهای بنیادین شان سازگار است. لذا اگر بخواهیم این وفاداری را در کوتاه مدت که صلح را ممکن کند، در سطوح مختلف آنها تضعیف کنیم، نیازمند اتخاذ اقدامات ذیل هستیم:

- نقد جدی روایت طالبان از ۲۵ سال اخیر
 - نقد نظریه سیاسی طالبان، نظریه سیاسی طالبان چندان پایه قوی دینی ندارد، لازم است در هیئت روحیه و ظرفیت لازم برای نقد دیدگاه سیاسی آنان به وجود آید.
 - رو در رو قرار دادن طالبان با خواسته‌های مردم
 - رو در رو قرار دادن آنها با واقعیت‌های بین‌المللی
 - ایجاد آگاهی و شناخت بیشتر در میان طالبان راجع به واقعیت‌های حکومتداری در افغانستان.
 - یافتن یک راه حل معقول برای تأمین دیدگاه طالبان راجع به نظام اسلامی در قالب جمهوریت، در چارچوب نظریه حل منازعه، چون خواست عمده طالبان علاوه بر قدرت تأمین حاکمیت احکام شرعی است.
 - در کل باید دید که چگونه می‌توان در طالبان و وفاداری شان تغییر به وجود آورد.
۵. احتمالاً به دلیل این که نظام اسلامی مطابق عناصر مطرح شده در این پیشنهاد برای طالبان مهم است، و به دلیل اختلافات یاد شده، توافق روی آجندا مشکل خواهد شد.

چگونه می‌توان روی آجندا توافق ایجاد کرد؟

پس باید دید چه راه‌هایی وجود دارد که بحث روی آجندا به یک مشکل تبدیل نشود.

در این مورد اولویت جانب جمهوری به شرح ذیل خواهد بود:

- آتش بس پیش شرط بحث روی نظام خواهد بود، چون نباید از طریق جنگ و خشونت یک روایت خاص از نظام را که مبتنی بر اجتهاد است، بر مردم تحمیل کرد. چون جنگ برای تحمیل یک نظریه اجتهادی شرعا جایز نیست و حتی آرمان تطبیق شریعت مجوز جنگ نمی‌شود، چون طالبان موظف به تطبیق شریعت نمی‌باشند. پس بحث از نظام در فضای عاری از جبر و اکراه باشد. اما به لحاظ سیاسی این آتش بس می‌تواند موقت باشد و با تضمین منطقه‌ای و بین‌المللی در حمایت از دست‌یابی به یک توافق همراه گردد.

- محور مهم مذاکره بعد از آتش بس توافق روی آینده مشترک است. لذا در این خصوص عنوانی انتخاب شود که برای طرفین قابل قبول و نوعی موفقیت حساب شود. از این رو بحث روی نظام و قانون اساسی / یا ایجاد «توافق روی آینده کشور» می‌تواند برای هر دو جانب موفقیت به حساب آید. برای جمهوریت از این حیث که می‌تواند بگوید که این عبارت با دفاع از جمهوری و قانون اساسی سازگار است، هیئت جمهوری می‌تواند بگویند که ما با حمایت مردم و منطق دینی از جمهوریت و حقوق همه مردم دفاع می‌کنیم. جانب طالبان می‌تواند بگوید که ما پیشاپیش هیچ چیزی از نظام کنونی را مبنای مذاکرات قرار نداده‌ایم و کوشش می‌کنیم به یک نظام اسلامی برسیم.

- نظر به این که هرگونه خشونت ناشی از نوعی نزاع conflict است، برای رسیدن به صلح و ختم خشونت حل آن نزاع (حل منازعه conflict resolution) لازم است. بنابراین عناوین اصلی اجندا و اجزای آن معطوف به حل منازعه‌های گوناگون در کشور و نیازمندی‌ها و خواسته‌های معطوف به آنها باشند تا بر اساس آن بتوانیم یک نزاع را حل و یا از پدید آمدن نزاع جدید در نتیجه موافقت‌نامه صلح جلوگیری کنیم. بنابراین کوشش کنیم اجزا و عناصر اجندا را از این زاویه دید برای جانب مقابل قابل فهم بسازیم.

- ارزش‌های مشترک که طرفین بر آن توافق دارند: اسلامی بودن نظام، استقلال و تمامیت ارضی، حفظ وحدت ملی، توافق نسبی بر حقوق بشر، رسیدگی به قربانیان و آسیب دیدگان، حقوق اساسی، مبارزه با فساد اداری و تقویت حکومت‌داری خوب